

www.csr.ir

گفت و گو با دکتر محمدطیبیان پیرامون استراتژی صنعتی کشور

صنعت خسته

و دولت رانتیر

به شکل گیری صنعت کمک کند. توجه لازم را نداشتند و مسائل را عمدتاً در حد بنگاه حل می کردند. برای همین هم دائم این اظهارات را شنیده ایم که متقاضی تزریق ارز و ریال به این بخش بوده اند. این یعنی کوشش ها در این جهت بوده که سهمیه ارز به اعتبار مواد اولیه و امثال آن داده شود. یا مثلاً فشار آورده می شود که جلوی واردات گرفته شود تا فروشنده داخلی بتواند محصولاً خود را به هر نحو بفروشد. این شیوه ها همه تلاش هایی بوده تا مسائل را در حد بنگاه حل کنند. در واقع اشکالی که متوجه این روش مسئولین بخش صنعت و مدیران کلان بخش صنعت بوده در واقع برعکس آن چیزی است که معمولاً فکر می شود. یعنی مشکل این نیست که به مسائل داخلی نپرداخته اند، بلکه

○ مجلس شورای اسلامی هنگامی که قانون ادغام وزارتین صنایع و معادن و فلزات را تصویب می کرد، تأکید نمود که استراتژی توسعه صنعتی کشور بایستی تهیه و تصویب گردد. تلقی شما از این تأکید چیست؟

● به طور کلی موانع فراروی صنعت در دو حوزه قابل تشخیص است. یکی حوزه درونی و دیگری حوزه بیرونی. در یک مرور عمومی می توان چنین اظهار نظر کرد که موانع بیرونی بخش بیش از موانع درون بخش است. به نظر من نکته ای که در مورد مسئولین بخش صنعت در ۲۰ سال اخیر می توان جمع بندی کرد آن است که مسئولین بخش صنعت به آن گروه از سیاست های کلان اقتصادی که می توانست

موقعیت این گونه است که مثلاً اسم تاجر را قاچاقچی گذاشته‌ایم. بحث سرتریاک یا اسلحه نیست که قاچاق باشد، بلکه پارچه و کامپیوتر و قطعات یدکی را هم قاچاق به حساب می‌آوریم. یکی که فرش صادر می‌کند و این وسایل را وارد می‌کند ما به او می‌گوییم قاچاقچی! برای مردم مشخص نکرده‌ایم که دنبال چه جور رژیم تجاری هستیم و آیا فقط شرکت‌های دولتی یا وابسته به آنها مجاز به زندگی هستند و آیا اگر مردم هم مجاز هستند، باید چکار کنند؟ ما یک نظام تعریف شده تجاری نداریم. از یک طرف جلوی واردات خودرو و بعضی کالاها را به شدت بسته‌ایم و از آن طرف برای واردات محصولات کشاورزی و دامی در حدی انجام می‌شود که برای تولید کننده داخلی مشکل ایجاد می‌شود و مورد حمایت منفی قرار می‌گیرد. مشخص نیست که حرفمان چیست. استراتژی ما در قبال عوامل مؤثر بر تولید داخلی که صنعت هم جزو آن است گم است و مشخص نیست و ما نمی‌توانیم بگوییم چه کارهای سیستماتیکی انجام خواهد شد. وقتی که ما به بعضی از این گونه سؤال‌ها جواب دادیم تازه برمی‌گردیم به آن سؤال مهم که تقاضا برای اجناس داخلی پایین است. اگر دولت بخواهد اقتصاد را به حرکت در بیاورد، چاره‌ای جز این که قدرت خرید را از پایین وارد اقتصاد بکند، ندارد. یعنی باید به کشاورزان بابت خشکسالی پول بدهد و به کارمندانی که در مناطق محروم کار می‌کنند حقوق بالاتری بپردازد به این ترتیب قدرت

این است به مسائل پیرامونی بخش صنعت به اندازه کافی نپرداخته‌اند و سعی کرده‌اند به مسائل درونی بخش و بنگاه توجه کنند. بنابراین اگر قرار باشد استراتژی بخش صنعت تدوین شود هم باید به مسائل درونی و هم به مسائل و خطمشی‌های پیرامونی بخش صنعت که موثرند، بپردازند. از قبیل: شرایط حقوقی فعالیت صنعت، قوانین مالیاتی، قانون کار و قوانین نظام تجاری کشور در حد وسیع پرداخته شود.

○ چنین به نظر می‌رسد که یکی از بزرگ‌ترین مشکلات بخش، مشکل نداشتن تقاضا برای صنعت داخلی است. ظاهراً به رغم همه حمایت‌ها، اقتصاد مرتباً کوچک‌تر می‌شود. فکر می‌کنید چگونه باید این مشکل را حل کرد؟

● در حال حاضر ظاهراً دولت یا مجلس در حوزه اقتصادی، مستندی جز برنامه سوم - که آن هم با تلاش و کوشش سازمان مدیریت و برنامه ریزی به ثمر رسیده - خط مشی دیگری نداریم. از سوی دیگر در همین برنامه سوم معلوم نیست که موضع در قبال صنعت چیست؟ یا مثلاً در قبال خصوصی‌سازی، قصد و منظور چگونه است. آیا منظور از واگذاری همان خصوصی‌سازی است یا نه و چه کاری می‌خواهند بکنند و نظر دقیق این مراجع تصمیم‌گیری چیست؟ و نسبت این‌ها با نظام گمرکی و بازرگانی کشور چیست؟ اکنون

بهبتر ولی نباید از آن بترسیم تا این که بالاخره اقتصادمان راه بیفتد.

○ یعنی شما معتقدید که ما در مقطع

کنونی در شرایط رکود به سر می‌بریم.

بعضی معتقدند که ما رکورد را پشت

سر گذاشته‌ایم. شما اندیکاتورهای دارید؟

● اندیکاتورهای مورد نظر من همان آمارهایی است که ارائه می‌کنند. من در جهت افزایش رونق، علائم بارز چندانی قابل تشخیص نیست نمی‌بینم. مثلاً می‌گویند ساختمان رونق پیدا کرده و اشاره می‌کنند که ساخت و ساز در شمال شهر تهران رونق یافته و به این دلیل، وضع اقتصادی دارد خوب می‌شود. بلی. ساخت و ساز رونق پیدا کرده اما منحصر است به شمال شهر تهران، آن‌هم مناطق خاص و دلیل هم دارد. برای مثال دلیلش آن است که پولدارهای شهرستانی به تهران مهاجرت می‌کنند یا اموال می‌خرند و یک مقدار به خاطر همین است. اگر چنین باشد، در واقع این علامت تشدید یک گرفتاری است نه یک رونق...

○ یعنی بخش ساختمان در کشور رونق

پیدا نکرده؟

● خیر - آمارهایی را که نشان دهنده این رونق باشد، ندیده‌ام. در این مورد عنایت دارید که آمار تعداد ساختمان‌هایی که مجوز می‌گیرند، نمی‌تواند مبنای محاسبه باشد و باید آمار ساختمان‌هایی را دید که تمام شده یا در حال ساخت است. آمار آنها مبنای قرار می‌گیرد. در مورد رونق صنایع هم

خرید را از پایین جامعه به جامعه تزریق کنند نه از بالا. اقشاری که درآمد پایین دارند آنها معمولاً مشتری کالاهای داخلی کم کیفیت ما هستند و به همان کالا نیاز دارند و متقابلاً آن صنعت هم در مراحل فعلی توسعه. به آن مشتریان نیاز دارد. این شاید بتواند یک نقطه شروع باشد که یک حیاتی به تولید بدمد و تولید کننده هم خود را برای شرایط بهتری آماده کند.

○ با توجه به طبیعت اقتصاد ایران ،

آثار تورمی آن را ظرف چه مدت

می‌توانیم مهار کنیم؟

● این بحث برمی‌گردد به سیاست‌های پولی و مالی دولت که در واقع اگر جدیت و همراهی کند و اگر امکان داشته باشد که سیاست‌های پولی و مالی مناسبی اتخاذ کند، خیلی نباید طولانی باشد. شما ملاحظه بفرمایید که ما در زمان جنگ تحمیلی، انتظار تورم را بعد از جنگ داشتیم. این قاعده همه جا جاری است. حتی کشورهایی مثل انگلیس و آلمان. طبعاً باید انتظار آن‌را می‌داشتیم که بعد از خاتمه جنگ و سرپوش گذاشتن بر قیمت‌ها از طریق کنترل مستقیم و در نتیجه اجرای برنامه بازسازی سریع، کشور دچار تورم بشود و این قابل پیش‌بینی بود. اگر ما بخواهیم اقتصادمان را مجدداً به حرکت درآوریم، بایستی ظرف مدت ۲ الی ۳ سال باید تورم ۱۵ الی ۲۰ درصدی را بپذیریم. البته اگر بتوانیم وضعیت مالی و پولی مناسب را ایجاد کنیم تورم می‌تواند کمتر از این باشد، چه



باید گفت اگر بعضی از صنایع رونق پیدا کرده اند، آنهایی هستند که به دولت وابسته اند و کمک‌ها و حمایت‌های ارزی دریافت می‌کنند. در این زمینه هارشد تولید وجود دارد، لکن بهرحال کل تولید ملی کشور از رشد حدود ۵ درصد برخوردار است که این نیز در مورد سال‌های اخیر مطرح می‌شود.

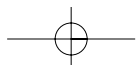
○ یعنی در شرایط رکود هستیم و برای خروج از آن جز این که دولت تقاضا را در لایه‌های زیرین درآمدی تحریک کند تا اقتصاد راه بیفتد؟

● بنده عرض می‌کنم اقتصاد ما حرکت اساسی ندارد، حالا ممکن است نشان دهیم که سالی ۳ الی ۴ درصد رشد GDP داریم که معمولاً وقتی کشوری جنگ یا گرفتاری به خصوصی داشته باشد (و به‌طور کلی هر اقتصاد متعارفی) معمولاً ۲ الی ۳ درصد رشد دارد. هر جایی که باشد. ولی اقتصاد ما رشد جدی ندارد و من هیچ شاخصی که نشان از رشد بدهد نمی‌بینم. برای مثال من علایمی نمی‌بینم که بیکاری که و ضعمان در آنجا بحرانی است، کم شود و یا نشان از آن داشته باشد که دولت یک بسته خط اقتصادی را که منجر به کاهش اساسی بیکاری شود، بنده نمی‌بینم. من مخالف این نیستم که تعرفه گمرکی بر واردات تعیین شود ولی باید تجارت ما آزاد باشد. مانعی ندارد که تعرفه بالا بگذارند اما هر کالایی که شرع و عرف منع نکرده باید مورد معامله قرار بگیرد. اگر شما نمی‌خواهید کالا در حد وسیع وارد بشود، بسیار خوب برای

اتومبیل ۵۰۰ درصد تعرفه بگذارید. برای پارچه هم ۲۰۰ درصد بگذارید. اما تولید کننده داخلی اگر نتواند با تعرفه ۲۰۰ - ۱۰۰ درصدی کار کند، اجحاف است که بگذارید او تولید کند. به نظر بنده کارهای مختلفی باید انجام شود، از جمله همین تعیین رژیم تجاری گذاشتن تعیین تعرفه‌های گمرکی منطقی و برداشتن موانع غیرتعرفه‌ای و راحت تر کردن مالیات برتولید و برچیدن مجموعه عوارض پراکنده و... این‌ها باید بازنگری شود. علاوه بر این‌ها همان‌طور که عرض کردم باید یک حرکت در جهت تحریک تقاضا از سوی محروم‌ترین و مورد ظلم‌ترین اقشار جامعه انجام شود. این نیز به سادگی به معنی انتقال درآمد به این اقشار است. برای مثال به عنوان کمک برای جبران معاش مردم مناطقی که از خشکسالی آسیب دیده‌اند، بهبود قیمت تضمینی کشاورزی، پرداخت بیشتر به کارمندان شهرستان‌های محروم و...

○ اما به نظر شما رشد کشورهای آسیای جنوب شرقی یا چین در شرایطی که از فقیرترین کشورهای دنیا بودند چگونه به تورم نینجامید؟

● دلیل آن این بود که در آن مقاطعی که اقتصاد شان می‌خواست رشد کند، حجم بزرگ سرمایه خارجی را اجازه ورود دادند؛ در حالی که در کشور ما اجازه نمی‌دهند. یعنی می‌ترسند. وقتی شما منابع خارجی می‌آورید می‌توانید کمک کنید که تورم نداشته باشید. ولی در مورد آن کشورها هم یک اما هست. شما اگر آمارهای



مبهمی می‌گویند. ساختار یعنی چه؟ یکی این که صنعت ما سود از تولید حاصل کند و صنعت گر، معاش از سود تولید داشته باشد نه از رانت دولتی و حفظ شرایط انحصاری. بله. این گونه تغییر شرایط می‌شود تغییر ساختار. برخی صاحبان صنایع ما از رانت و احجاف انحصاری که به مردم می‌کنند زندگی می‌کنند. مدیران این کمپانی‌ها و شرکت‌های داخلی و صاحبان آنها از طریق محصور کردن مردم از طریق قوه قهریه و گرفتن جلوی واردات کالاها، رقیب، درآمدهای زیادی کسب می‌کنند. اگر ما شرایط را عوض کردیم (که این‌ها سود خرد را از محل کارایی و تولید داخل کسب کنند، این می‌شود تعریف اصلاح ساختاری. اگر سازمان مالیاتی را عوض کردیم که برای تولید مناسب‌تر باشد می‌شود تعریف اصلاح ساختاری. اگر قانون کار را بهبود بخشیدیم که هم برای کارگر و هم برای کارفرما محیط بهتری فراهم شود این می‌شود تعریف اصلاح ساختاری. اگر منظور از اصلاح ساختاری، این‌گونه اقدامات است که این، همان چیزهایی است که طی ده سال توسط اقتصاددانان و حتی برنامه‌های قانونی نیز انجام آن مطرح شده است. اگر منظور چیز دیگری است، بایستی طرح‌کنندگان آن به‌وضوح مطرح کنند...

○ از موانع بیرونی بخش که بگذریم، یک دیدگاه در گذشته وجود داشت دائر بر این که تحول صنعتی، یک یا چند شاخه مشخص را به عنوان لوکوموتیو

کشورهای جنوب شرقی آسیا را ببیند ملاحظه می‌کنید که برای مدت طولانی تورمشان پایین است. (البته بحث چین استثنا است به‌خاطر این که آمارهای رسمی چندان مورد اعتماد نیست و روند واقعی قضایا را در آنجا کسی نمی‌داند) در شرایطی که کشورهای جنوب شرقی آسیا برای مدتی حدود سه دهه تورم پایین داشتند، اما در همان حال رشد نقدینگی شان بالا بود بعداً معلوم شد که از انعکاس تورم در بازار دارایی‌ها بوده یعنی املاک و سهام داشته جور تورم را می‌کشیده، و چون قیمت دارایی‌ها به صورت حباب وار تورم را به سوی خود می‌کشیده، یک مرتبه این حباب ترکیده. بنابراین این طور نیست که آنها تورم نداشتند. تورم را در شاخص قیمت کالاهای مصرفی نداشتند، چون از طریق واردات و همان منابع خارجی که داشتند با واردات، راحت‌تر قیمت کالای مصرفی را تنظیم می‌کردند. ولی دارایی‌ها تورمشان بالا بود و یک دفعه این حباب ترکید. و البته چین هم از این حالت مستثنی نیست.

○ آیا فکر می‌کنید ساخت اقتصاد ایران برای آن دوره گذر اصولاً ساخت آماده‌ای است؟ بعضی معتقدند که آن ساخت، تحولات دوره گذر را بر نمی‌تابد و لذا ابتدا باید رفت دنبال ساختارها.

● به نظر من اینها معنی ندارد. آنهایی که در مورد ساختار صحبت می‌کنند کسانی هستند که نمی‌دانند چه می‌خواهند بگویند و فقط چیزهای



است که تحقیقات باید به گونه‌ای باشد که شرکت‌ها و کمپانی‌ها باید ببینند که هم در حال و هم در آینده از تولید آن سود می‌برند. بنابراین ما از این که کشور را در زمینه‌های فناوری؛ توسعه صنعتی و حتی تحقیق و توسعه از قبل به مسیرهای از قبل تعیین شده بخواهیم بکشانیم باید احتراز کنیم. این که ما بخواهیم در الکترونیک یا پتروشیمی پیشرفت کنیم یا در خودرو، همه اینها غلط از آب درمی‌آید. استراتژی باید طوری باشد که شرایط را به وجود بیاورد که آن‌جایی که امتیاز نسبی هست براساس شرایط، خود آن امتیازها بروز و ظهور پیدا کنند. خیلی وقت‌ها از قبل نمی‌شود فهمید. در واقع در یک زمینه‌هایی، یک باره امتیازهایی ظاهر می‌شوند که اصلاً تصور نمی‌شد.

○ با توجه به بحث‌های شما تاکنون، ظاهراً استراتژی صنعتی در شرایط کنونی تقلیل می‌یابد به بسته اقتصادی که وضعیت پیرامونی بخش را به سامان بیاورد. آیا در درون بخش، کاری ضرورت پیدا می‌کند؟

● حتماً. نه تنها در بخش صنعت، که در بقیه بخش‌ها، هم در درون و هم پیرامون آنها، مسائل زیادی برای حل کردن و درباره آنها فکر کردن وجود دارد. و ما باید روی هر دو متمرکز شویم. همان‌طور که اگر استراتژی توسعه منابع آب می‌داشتیم و کارهایی که قبلاً پیش بینی شده بود، انجام می‌دادیم، اکنون بحران را می‌توانستیم به راحتی از سر بگذارانیم. این طور نیست که

بخش در نظر می‌گرفتند که در واقع با حرکت آنها، خیلی از صنایع دیگر به حرکت در می‌آمدند. این مدل برای تحول صنعتی امروز ایران چقدر جوابگوست؟

● آن دیدگاه به نظر من دیدگاه درستی نیست و متعلق به دههٔ هفتاد است و تجربهٔ کشورهای دیگر هم نشان می‌دهد که کسی اکنون طرفدار این دیدگاه نیست. مثلاً ژاپن در برنامه اولیهٔ خود خواست در زمینهٔ شیمیایی و پتروشیمی رشد کند و الکترونیک جایی در برنامه ریزی آنجا نداشت ولی عملاً یک از زمینه‌هایی که در آن خیلی رشد کرد همین صنعت الکترونیک بود. این چنین تعیین تکلیف کردن‌های دولتی برای بخش‌ها، به جز زمینه‌های زیربنایی مانند راه و برق، چندان کارایی ندارد.

○ یعنی حتی در حوزه تحقیق و توسعه هم؟

● R&D همیشه می‌تواند معنا داشته باشد، منتها R&D دامنه‌های وسیعی از فعالیت را می‌پوشاند. در کشورهای پیشرفته، هم دولت پول می‌گذارد و شرکت‌های خصوصی هم برای تحقیق و توسعه پول می‌گذارند، خیلی از این تحقیقات می‌تواند به ثمر نرسد. تحقیق برای این که به مسائل پاسخ داده بشود و راه‌حل‌های جدیدی را برای مسائل قدیمی‌تر پیدا کند، همیشه مفید است. اگر منابع مالی بگذاریم برای تحقیقات و از ۱۰ مورد فقط یک مورد جواب بدهد و مسائلی را حل نکند، بُرد کرده‌ایم. منتها مهم این

همه مسائل توسعه به مسائل پیرامونی ختم می‌سازد.

شود. چون در هر زمینه‌ای کارهای خاص آن زمینه وجود که باید انجام بگیرد. مثلاً در مورد بخش صنعت، اکنون درصد فارغ التحصیلان دانشگاهی شاغل در بسیار آن کم است یعنی حدود ۵الی ۶درصد. در حالی که صنعت یک رشته‌ای است که باید سطح علم در آن زیاد باشد. در کشورهای پیشرفته‌تر درصد فارغ التحصیلان دانشگاهی که در بخش صنعت هستند (مثلاً همین کشورهای جنوب شرقی آسیا) تا ۴۵ درصد می‌رسد. در کشور ما خیلی پایین است. این یک مسئله درونی است که ارتباط با سیاست‌های کلی اقتصادی هم دارد. گفته می‌شود مدیران بخش صنعت ضعیف هستند، این نیز یک مسئله درونی بخش است که به مسایل محیطی برمی‌گردد. در هر مورد اگر در بخش صنعت رانت نبود و رقابت وجود می‌داشت، بخش صنعت لاجرم مجبور می‌شد برای بهبود شرایط خود افراد متخصص بیشتری استخدام کند و میدان کارآمدتری تربیت می‌کرد و مورد استفاده قرار می‌داد. لکن وجود شرایط حمایتی و انحصاری و رانتهی محیطی، قسمت‌های عمده‌ای از بخش را از این‌گونه فعالیت‌ها بی‌نیاز می‌کند. یک مرحله کار طبیعتاً این می‌شود که مایبایم یک بازسازی از نیروی انسانی بخش صنعت را به انجام رسانیم. دولت باید در کلیه این زمینه‌ها ابتکار عمل را به دست داشته باشد. در این گونه موارد فقط تغییر خط‌مشی‌های محیط عمومی فعالیت است که انگیزه لازم برای موفقیت را فراهم

○ پس شما مداخلات دولت را به

طور مطلق نفی نمی‌کنید؟

● خیر. مسلماً به طور مطلق نفی نمی‌کنم، ولی فکر می‌کنم ما باید متمرکز شویم روی این‌گونه کمک‌ها و کاری کنیم که سودآوری تولید را با سودآوری از طریق رانت و فرصت‌های انحصاری جایگزین کنیم.

خط‌مشی‌های دولت کاملاً می‌تواند مداخلات مثبت بکند ولی نباید اغتشاش ایجاد کند و رانت ایجاد نماید. بلکه باید شرایطی ایجاد شود که سود از تولید و ابتکار و حاصل شود و از هیچ محل دیگر سود ایجاد نشود، آن‌گاه دولت می‌تواند کمک کند که اطلاعات شفاف شود و از تقلب و به اصطلاح کج منشی در اقتصاد یا مخاطرات اخلاقی در فرآیندهای تولیدی و در بازارها جلوگیری بشود. دولت می‌تواند کمک کند که پرورش اطلاعات سازمان‌یابد و بازارهای ناقص، تکمیل بشوند و بازارهایی که وجود ندارد ایجاد گردد. از قبیل بازار سرمایه و امثال ذلک. اما این که بخواهد از طریق تزریق رانت به بخش صنعت و ایجاد تنگنا برای مردم و حفظ شرایط انحصاری بخش‌ها، آن بخش‌ها را فعال بکند این جز سرنوشت محتومی که بارها تجربه شده، چیزی به دنبال نخواهد داشت.

○ به خاطر این گفت و گو از شما

سپاسگزاریم.